

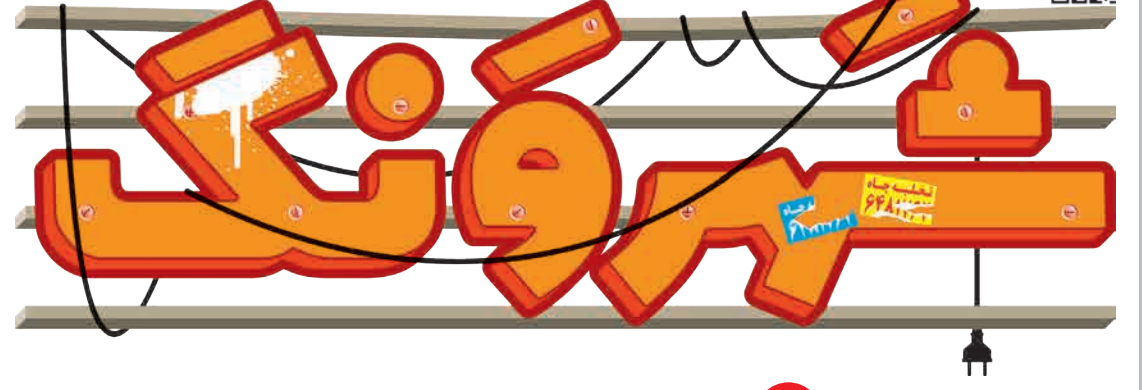
### تماشاخانه

احسان گنجی | کارتونیست | ehsanganji58@gmail.com



پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هشتصدم



عضو هیأت نظارت بر صداوسیما: مجری - باز یگرها یا سبک زندگی خود را عوض کنند یا از تلویزیون بروند

## نجم الدین شریعتی: خدارو شکر سبک خوبی دارم

- عمو قناد: شصت ساله دارم تغییر سبک می دم براتون!
- عادل: سبکم ایراد داشت با میزم چیکار داشتید؟
- یک مجری زن: باد شدید بود، سبکم رو باد برد!
- مسئول شبکه: میثاقی رو به عنوان الگو می دارم از شما استفاده کنید
- حسینی بای: یکی از شرایط تا کمر تو آب رفته
- باز غی و گلزار: رنگ چشم رو از توی شرایط تون حذف نکنید

مارک ویلموتس به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد

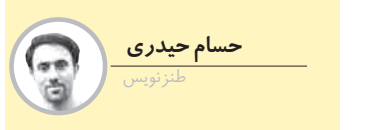
## تاج: از زیدان و فرانسه تابلزیک و ویلموتس دودقیقه راهه!

- کی روش: می خندی؟ دوروز دیگه باید گریه کنی!
- مورینیو: من رو قول شما حساب کرده بودم!
- ویلموتس: الان باید بگم از بچگی عاشق ایران بودم یا زوده؟
- برانکو: می خوام اذیت کنی؟

#به امید پیروزی #شهر ونگ

### شهر زیبا

#### متن انگیزشی برای اختلاس گران جوان



به نظرم یک اختلاس گر خود ساخته که عزت نفس و اعتماد به نفس کافی داشته باشد، هیچ وقت فامیل یک مدیر یا مسئول نمی شود. چون وقتی شما با یک مدیر یا مسئول فامیل شدی، هر چقدر هم که در کار اختلاس و دزدی خودت مهارت داشته باشی، باز به چشم کسی نمی آیی و همه، اختلاس و مال مردم خوریات را به رانت و ارتباطات با مسئولان نسبت می دهند.

بین یک اختلاس گر خود ساخته که دزدی را از زمین های خاکی و رشوه های کوچک شروع کرده و کم کم برای خودش دم و دستگاہی درست کرده و کسی که صرفا به خاطر زن خوبش به جایگاه و مقامی رسیده، زمین تا آسمان فرق است. آن زن خوب هیچ وقت رنج و زحمت گرفتن وام میلیاردي و پس ندادنش را درک نکرده. چون با یک زنگ و بردن نام فامیلشان، پول تو حسابش بوده. او هیچ وقت نفهمیده که گم شدن دکل نفتی یعنی چه؟! چون از بچگی وسط دکل ها بزرگ شده و هر کدام را که دلش خواسته، برداشته. او هیچ وقت نفهمیده که اختلاس کردن دارو و مواد غذایی چه کار سختی است و احتیاج به چه مقدار انبار و تجهیزات و نیرو دارد. او تنها چیزی که تو عمرش بلد بوده و مدام تکرار کرده نام فامیلشان بوده و این همان چیزی است که بین او و اختلاس گر تلاش گر تفاوت ایجاد می کند.

شاید شما اشکال بگیرد که کلا امکان این که کسی بدون ارتباط بتواند اختلاس گر قابلی شود وجود ندارد. بله در اکثر مواقع این طور است ولی ما در مورد همه صحبت نمی کنیم. ما در مورد آن معدود افرادی صحبت می کنیم که به معنی واقعی کلمه اختلاس را صرف کرده اند و دلار به دلار پول روی هم گذاشته اند و از این آن کش رفته اند تا توانسته اند خود را رشد داده و لحظه به لحظه به کاندای موعود نزدیک تر کنند. ما در مورد استعدادها صحبت می کنیم.

این افراد هیچ وقت نام اختلاس گر را با آقا داده بودن و فامیل فلانی بودن عوض نمی کنند. آنها به راهی که انتخاب کرده اند ایمان دارند و با تمام وجود برای فساد اقتصادی خود تلاش می کنند. آنها می دانند که موفقیت با راحتی و آسودگی به دست نمی آید و برای این که دزد بزرگی شد باید عرق ریخت و تلاش کرد و از هر کسی که اطرافت هستش کفش رفت تا کم کم دزدی به ناخود آگاه ذهنی و بخشی از وجودت تبدیل شود.

اگر شما هم رویای کانادا رفتن در سر دارید، همین الان، فکر این که خودتان را به مسئولی نزدیک کنید، بگذارید کنار. همیشه ساده ترین روش بهترین روش نیست. انسان های خود ساخته یاد گرفته اند که برای همه خواسته هایشان بجنگند و این همان چیزی است که به زندگی آنها معنا می بخشد.

### نبوی در مهد کودک



**خالی شدن در افاق | شهاب نبوی |** طاهای پسر بسیار خوبی بود. تنها مشکلیش این بود که خودش را همان گوشه و کنار مهد خالی می کرد. دفعه اولی وقتی متوجه این موضوع شدم که دیدم یک گوشه کز کرده و خیلی اندیشمندانه غرق در افق شده. رفتم سمتش، بغلش کردم و گفتم: «عمو جون، چرا ناراحتی؟» قبل از این که طاهای جواب بدهد، احساس داغی کردم. ابتدا فکر کردم که بچه تب دارد، اما تب نبود. مسلما بچه ای که خودش را خراب می کند در مهد کودک لقب می گیرد. همین موضوع طاهای را بسیار افسرده کرده بود. تا این که یک روز پدرش به مهد آمد و

### روز نوشته های برزو

**فیتوپلانکتون**

برزو

کنده یک امروز به سیرک جدید راه انداخته توی خونه. در بطری آب معدنی رو میندازه روی زمین و شوت می کنه سمت من. گریه نمی دونه این آدم ها کی ممکنه یهو رد بدن، یه وقت می بینی آدمی که یه عمر خالصانه در خدمتت، جلوت خم و راست میشه، عصر به عصر میشینه موهات رو شونه می کنه، یهو دیوانه می شه و میزنه زیر همه چی. البته همیشه همینطوریه. سن آدمها که میره بالا، سیم کشی های مغزشون معیوب میشه و یکی سر پیری سرب داغ میریزه تو چشم پسرش، اون یکی یه شهر رو به آتیش می کشه، یکی هم مثل این استاد می افته به در بطری بازی. مشخصه آخرین بار هم ده سال پیش فوتیال دیده چون دور خیز می کنه و واسه خودش گزارش هم می کنه که حالا اینزاگی... یه پاس توی عمق... دل پیرو فرار کرده از اون طرف... حالا پشت محوطه... بعد هم در بطری رو با توک پا شوت می کنه

### کوچه اول



**ما آریایان و گیم آف ترونز | امیر مسعود فلاح |** ما آریایان بسته به این که چه نوع ارتباطی با گیم آف ترونز برقرار کنیم به چند دسته تقسیم می شویم: بعضی هایمان خیلی داغیم. خورشید دوشنبه در نیامده سریال را می بینیم و در شبکه های اجتماعی، سایر کاربران را از نظرات عمیق کارشناسی خود سیراب می کنیم. بعضی هایمان از سریال چیزهایی را می فهمیم که عوام الناس عمرا نفهمند. حالا با ظاهر گراییم و فقط سسوتی های سریال را می گیریم. یا باطن گراییم و مفاهیم عمیق سریال را درک می کنیم که باز با باطن گرای شیطان بیاییم و محو صحنه های احساسی سریال می شویم. بعضی هایمان هم که سریال را ندیده ایم، با گفتن این که «این سریال چون مورد توجه بیشتر مردم قرار گرفته پس عامه پسند است و فاخر نیست»، حساب خودمان را از بقیه سوا می کنیم یا با این که هنوز سریال را ندیده ایم، درباره آن اظهار نظر می کنیم. مثل خود من که جز چند صحنه پر شور از آن را ندیده ام، اما برای دومین بار است که در پارامش می نویسم.

### شهر فرنگ



شهر ونگ